

معرفی منظر اسلامی و شیعی صائب تبریزی در بازنمایی مفهوم شهادت

فریده داودی مقدم^۱، مهدی امامی^۲

چکیده

با گستردگی و رسمیت مذهب تشیع در ایران، جهان بینی این مذهب نفوذ کم نظیری را در باورها، منش‌ها و کنش‌ها نمایان ساخت و بازتعریف جالب توجهی برای بسیاری از ارزش‌ها عرضه کرد. شهادت و مفاهیم برخاسته از آن، پیوسته مرکز توجه بسیاری از شاعران در طول تاریخ ادب فارسی بوده است و کشته شدن در راه ارزش‌ها، خواه این ارزش، دفاع از دین و تمامیت ارضی ایران باشد و خواه عشق و پاک‌باختگی در برابر معشوق، از نگاه شاعرانی که به این مفاهیم پرداخته‌اند از جایگاهی والا برخوردار بوده؛ اما باورهای شیعی برخاسته از روایات، احادیث، زیارت‌نامه‌ها و ادعیه نیز مفاهیم نظام‌مندی را در این حوزه عرضه کرده است. در این میان، صائب تبریزی که در جامعه‌ای شیعی زاده شده و زیسته، نگرشی شیعی را در مفاهیم جاری در آثارش گسترش داده که مفهوم شهادت نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. جایگاه شهید و شهادت در منابع شیعی و اشعار صائب تبریزی دارای وجوه اشتراک قابل تأملی است که این مقاله در راستای واکاوی و تبیین این قرابت‌ها و مقوله‌بندی آن‌ها گام برداشته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد مفاهیم برخاسته از روایات، احادیث و زیارت‌نامه‌ها در منابع شیعی تأثیری انکارناپذیر در ترسیم چهره شهید در اشعار صائب تبریزی داشته است؛ اشتراکاتی که گاه، نه تنها در حوزه معنا و مفهوم بلکه در استخدام واژگان نیز آشکار است.

واژه‌های کلیدی: شهادت، صائب تبریزی، باورهای اسلامی و شیعی.

۱. دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه شاهد تهران، emamimahdi313@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد emamimahdi313@yahoo.com

۱. مقدمه

«شهید» و «شهادت» و مفاهیم مرتبط با این واژگان از جایگاه ویژه‌ای در باورهای دینی، فرهنگی، ملی و البته ادبی برخوردار است. ترسیم جایگاهی رفیع و مورد توجه و احترام برای مقوله شهادت و شخص شهید از دیرباز در آثار گوناگون یافت می‌شود. فارغ از معانی لغوی در موضوع شهید و شهادت، پیوندهای گوناگون جوامع مختلف و آحاد متمایز هر جامعه با آن‌ها، می‌تواند گستردگی دوچندانی را در مطالعه این مفاهیم به ارمغان آورد.

شهادت در مذهب تشیع جایگاهی ویژه دارد و در مآثورات بسیاری از اهل بیت (ع)، نکات جالب توجهی برای آن بیان شده است. صائب تبریزی شاعری شیعه و مقید به اصول تشیع است و این باور در بسیاری از اشعار او متجلی شده است. شهادت نیز از جمله مفاهیمی بوده که در مواردی با تأثیر از باورهای شیعی در اشعار صائب نمود یافته است.

بررسی اثرگذاری مفاهیم نهفته در منابع شیعی، در اشعار شاعری نظیر صائب تبریزی در حوزه شهادت و مقوله‌بندی محورهای تأثیرپذیری او، اهمیت و لزوم انجام این پژوهش را نمایان می‌سازد. هدف از این پژوهش، بررسی منظر شیعی صائب تبریزی در بازیابی مفاهیم شهید و شهادت است.

۱-۱. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، نگارنده به روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای و فیش برداری، باورهای شیعی پیرامون شهید و شهادت را از احادیث، روایات، ادعیه و زیارت‌نامه‌ها استخراج کرده و مبتنی بر جامعه آماری از اشعار صائب تبریزی، با محوریت شهید و شهادت، بررسی کرده است. به منظور دسته‌بندی این اشعار، ویژگی‌های نقل شده برای شهید و وجوه اشتراک آن با اشعار صائب تبریزی در همین مفهوم، موضوع تحلیل قرار گرفت. روش این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل مضمونی است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در مقاله‌ای با عنوان «شهید و شهادت از منظر قرآن» نویسندگان کوشیده‌اند تا به پاره‌ای از مباحث مربوط به شهادت و شهدا در پرتو آیات و از منظر قرآن اشاره گردد و جایگاه واقعی شهید و شهادت از این منظر موضوع بحث قرار گیرد (طاوسی و عین‌الکمالی، ۱۳۹۵). جعفری در مقاله‌ای با عنوان «مقام شهید و آثار شهادت از منظر قرآن و روایات» به بیان آثار دنیوی و اخروی شهادت براساس آیات و روایات پرداخته است (جعفری، ۱۳۹۰). در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم شهادت از دیدگاه امام علی^(ع) در نهج‌البلاغه» نویسنده کوشیده به روش توصیفی تحلیلی ابتدا معنا و مفهوم شهید و شهادت را بیان کند و سپس به بررسی واژه شهادت در کلام بلیغ امیرالمؤمنین علی^(ع) بپردازد (موسوی شجری، ۱۳۹۰). در موضوع جایگاه شهید در اشعار صائب تبریزی یا دیگر شاعران کلاسیک، سابقه پژوهشی یافت نشد. با توجه به محدودیت اشعار موضوع بررسی که به اشعار صائب تبریزی اختصاص دارد و البته موضوع اصلی پژوهش که درون‌مایه‌هایی نظیر باورهای شیعی را داراست، سابقه مرتبگی در پژوهش‌های خارج کشور وجود ندارد.

۲. بحث اصلی

در باره جهاد و شهادت گفته شده:

«جهاد و شهادت برای ما ایرانیان، قدمتی طولانی دارد که به دو پهنه تاریخی قبل و بعد از اسلام بازمی‌گردد. وجوه ماقبل اسلام آن در قالب رزم‌های باستانی و هم‌آوردی پهلوانان و جان‌فشانی‌های سرزمینی خودنمایی کرده است. در این دوران جانبازی و فرهنگ پیوندی ناگسستنی داشته‌اند. داستان جهاد و شهادت در ایران پس از اسلام بسیار فراگیرتر بوده و با ارزش‌هایی پیوند داشته است که بر محور حق‌طلبی و

ظلم‌ستیزی معنا می‌یافته‌اند. عوامل زمینه‌ای و مشترک این فرهنگ تأکید بر عدالت، حقیقت، معنویت و آزادی و قیام برای تحقق آن‌ها بوده است» (بحرانی، ۱۳۹۵: ۷).

واژگان شهید و شهادت و مفاهیم برخاسته از آن‌ها، همواره در ادوار و انواع ادبیات مرکز عنایت و توجه خاص بوده است. واژه شهید امروزه اغلب در معنای خاص کشته‌شده در راه خدا و به طور ویژه، کشته‌شدگان راه پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، محور مقاومت اسلامی و پاسداری از ارزش‌ها و باورهای دینی و ملی نظیر دفاع از حرم اهل بیت^(ع)، در عرصه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، علمی و اعتقادی و به طور کل جریانات مرتبط با اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به کار می‌رود؛ اما دامنه معنایی و مفهومی آن حتی در ادبیات، به‌ویژه ادبیات کلاسیک ایران، فراتر و گسترده‌تر از این است؛

«شهادت در فرهنگ ما، در مذهب ما، یک حادثه خونین و ناگوار نیست. در مذاهب و تاریخ‌های اقوام، شهادت، عبارت است از قربانی شدن قهرمانان که در جنگ‌ها به دست دشمن کشته شده‌اند و این، یک حادثه غم‌انگیز و مصیبت‌باری است و نام این کشته‌شدگان شهید و مرگشان شهادت؛ اما در فرهنگ ما شهادت مرگی نیست که دشمن بر مجاهد تحمیل کند. شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد، با همه آگاهی و همه منطق و شعور و بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند» (شریعتی، ۱۳۵۰: ۶۴).

مفهوم شهید و شهادت همواره در نظر صاحبان معارف و بزرگان مکاتب، مکرم و معظم برشمرده شده است. ادبیات و گونه‌آشنای آن یعنی شعر نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و این واژگان با معانی و مفاهیم عرفانی، عاشقانه، عرفی و دینی‌شان پیوسته در آثار شاعران نمود پیدا کرده‌اند. صائب تبریزی از جمله شاعرانی است که در بسیاری از اشعارش از این مفاهیم بهره‌مند شده و در مواردی، باورهای شیعی درباره شهادت را متجلی ساخته است.

۱-۲. جایگاه شهید و شهادت در قرآن و احادیث

در دین اسلام جایگاه ویژه و منحصر به فردی برای شهید و شهادت لحاظ شده است. قرآن کریم در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۴ سوره مبارکه آل عمران به توصیف جایگاه شهدا می پردازد:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)؛ هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار؛ بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (۱۷۰)؛ به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است، شادمان اند و برای کسانی که از پی ایشان اند و هنوز به آنان نیویسته اند، شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند. «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۷۱)؛ بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی گرداند شادی می کنند. «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» (۱۷۲)؛ کسانی که پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند. برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند، پاداشی بزرگ است. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (۱۷۳)؛ همان کسانی که برخی از مردم به ایشان گفتند: مردمان برای جنگ با شما گرد آمده اند. پس از آن بترسید؛ ولی این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (۱۷۴)؛ پس با نعمت و بخششی از جانب خدا از میدان نبرد بازگشتند؛ درحالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است.

اثبات اینکه برترین مرگ ها مرگ سرخ است، در آیه ها و روایت ها تجلی یافته

است؛ اما لطافت و مسئولیتی که متوجه شهادت بوده، در دعاها و زیارت‌ها متجلی شده است. در احادیث مربوط به مرگ سرخ، از کشته شدن در راه خدا (شهادت) به عنوان برترین مرگ‌ها و شریف‌ترین آن‌ها یاد شده است. عبارت‌های زیادی در این زمینه بیان می‌کند که شریف‌ترین کشته شدن‌ها، کشته شدن بر طریق شهادت است. این قبیل عبارت‌ها که در احادیث فراوان به چشم می‌خورد، نشان از اهمیت و شرافت مرگ سرخ یا شهادت دارد.

امام حسین^(ع) در هنگام حرکت به سوی نینوا در ابیاتی می‌فرمایند:

«سَأْمُضِي وَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَى الْفَتَى

إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا

وَوَأَسَى الرَّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ

وَ فَارَقَ مَثْبُورًا وَخَالَفَ مُجْرِمًا

فَإِنْ عِشْتُ لَمْ أُنْدَمْ وَإِنْ مِتُّ لَمْ أُلَمْ

كَفَى بِكَ ذُلًّا أَنْ تَعِيشَ وَتُرْعَمَا

(مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

من به زودی از جان می‌گذرم و مرگ برای جوان مرد عیب و عار نیست؛ به شرط اینکه نیت و قصد او حق باشد و درحالی‌که مسلمان باشد، بجنگد و در راه مردان نیکوکار جانبازی کند و از شخص تبه‌کار کناره‌گیری کند و با شخص مجرم مخالفت نماید. اگر زنده بمانم، پشیمان نمی‌شوم و اگر شهید شوم مورد ملامت قرار نخواهم گرفت؛ ولی برای تو همین کافی است که در حال ذلت زندگی کنی و بینی تو به خاک مالیده شود.

همچنین در صحیفه سجادیه آمده است:

«حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِشَيْوَفِ
أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ»؛ حمدی که به توسط آن در بین سعادت‌مندان از اولیای خدا
سرفراز شویم و از برکت آن در صف شهدا و کشته‌شدگان به اسلحه دشمنان پروردگار
درآییم که او یاور مؤمنین و ستوده شده است.

۳. جایگاه شهید و شهادت در اشعار صائب تبریزی

درباره صائب تبریزی گفته شده:

«میرزا محمدعلی متخلص به صائب، سرشناس‌ترین غزل‌سرای قرن یازدهم هجری
و یکی از بزرگترین شاعران ایران، در حدود سال ۱۰۰۰ هـ.ق در تبریز زاده شد. پدر او،
میرزا عبدالرحیم، از بازرگانان معتبر بود. شاه عباس پس از فتح تبریز به سال ۱۰۱۲،
هزار خانوار را از آن شهر به اصفهان کوچاند و در محله عباس‌آباد سکنی داد. خانواده
صائب نیز جزو این گروه بود. شاعر در جوانی به حج رفت و در سال ۱۰۳۴ راهی
هند شد. چند سال با ظفرخان متخلص به "احسن" در کابل به سربرد و از این امیر
ایرانی تبار، محبت بسیار دید. همراه او به آگره و لاهور و برهانپور و بالاخره کشمیر
سفر کرد. صائب در سال ۱۰۴۲ به همراه پدر پیر خود که برای دیدار او به هند آمده
بود، به وطن بازگشت و مقیم اصفهان شد. شاه عباس دوم وی را لقب ملک‌الشعرایی
بخشید. این شاعر توانا بیش از هشتاد سال زیست و در واپسین روزهای سال ۱۰۸۶ یا
نخستین روزهای سال بعد، در اصفهان دیده از جهان پوشید» (قهرمان، ۱۳۷۸: ۵۸۳).

صائب تبریزی یکی از نام‌آشنا‌ترین شاعران تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌رود و او را از
شاخص‌ترین شعرای سبک هندی می‌دانند. «در حقیقت، سبک هندی دارای دو شاخه
ایرانی و هندی است. اگر بخواهیم نمایندگان دو شاخه را برگزینیم، صائب نماینده تمام‌عیار
شاخه ایرانی و بیدل نماینده تمام‌عیار شاخه هندی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۵).

صائب تبریزی چه در مولد و چه در موطن، یعنی تبریز و اصفهان، در جامعه‌ای شیعی زاده شده و زیسته و شیعه‌گری و اظهار آن در اشعار او کاملاً آشکار، محسوس و انکارناشدنی است. او شیعه دوازده‌امامی و مردی دیندار و مواظب فرایض و واجبات و معتقد به اصول و مبانی بوده است و قصائدی در مدح ائمه^(ع) و ابیاتی که حاکی از دینداری و مواظبت او در اعمال شرعی است، در آثارش دیده می‌شود. ابیاتی نیز نشان از توجه و علاقه او به زیارت بقاع متبرکه اهل بیت^(ع) دارد. شرایط سیاسی، فرهنگی و مذهبی زمان زیست صائب و اقتدار حکومت صفویان که مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور برگزید و برخی فشارها را از روی شیعیان برداشت نیز می‌تواند از جمله موارد اجتماعی، سیاسی و فرامتنی در جسارت طبع و کلام صائب در ابراز آزادانه عقایدش مؤثر باشد. ابراز محبت و علاقه به خاندان اهل بیت^(ع)، به ویژه امام حسین^(ع) و امیرالمؤمنین علی^(ع) در اشعار و آثار شاعران غیرشیعه نیز کم یا زیاد دیده می‌شود؛ اما می‌توان مفاهیم و مضامین استفاده شده در مدایح و مرثی صائب تبریزی برای اهل بیت^(ع) را در بسیاری موارد، منطبق بر عقاید خاص تشیع به شمار آورد.

اندیشه شیعی صائب در بازنمایی مفاهیمی نظیر شهید و شهادت نیز اثرگذار بوده است و می‌توان در این مورد به مصادیقی اشاره کرد که با مآثورات گوناگون شیعی، نظیر زیارت‌نامه‌ها، ادعیه، مناجات‌ها، احادیث و روایات مرتبط هستند. در ادامه به برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

۳-۱. شهادت اهل بیت^(ع)

در زیارت امام حسین^(ع) در روز اربعین آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ»؛ خدایا من گواهی می‌دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو و

برگزیده تو و فرزند برگزیده توست. حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عَشْتِ سَعِيداً، وَ مَضَيْتِ حَمِيداً، وَ مِتَّ فَقِيداً، مَظْلُوماً شَهِيداً»؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اوئی، خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی و از دنیا رفتی گم‌گشته و مظلوم و شهید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۳۳۱).

در فرازهایی از این زیارت‌نامه، از امام حسین^(ع) با عنوان شهید یاد شده و کرامت او به واسطه شهادتش معنا پذیرفته است. شهادتی که سیدالشهدا^(ع) را کرامت بخشیده، مرتبه‌ای والا است که دستیابی به آن برای هر کسی میسر نیست؛ همچنین امام سجاد^(ع) در پاسخ به یزید که آن امام را به قتل تهدید می‌کند، می‌فرماید: «الْقَتْلُ لَنَا عَادَةٌ وَ كَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ»؛ کشته شدن عادت ما و شهادت کرامت ماست (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

صائب تبریزی در قصیده‌ای که به مدح و منقبت حضرت امام حسین^(ع) اختصاص دارد، آورده است:

درخور ظرف است اینجا هر دهان را لقمه‌ای

ضربت تیغ شهادت طعمه شیر خداست

نیست هر نخجیر لاغر لایق فتراک عشق

آل تمغای شهادت خاصه آل عباس

کی دلش سوزد به حال دردمندان دگر

دهر کز لب تشنگان او شهید کربلاست

(صائب تبریزی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۷۵)

صائب، شهادت را در شأن و جایگاهی متناسب با امیرالمؤمنین^(ع) و خاندان

پیامبر^(ص) و مهر سرخ شهادت را خاصه ایشان می‌داند و این مقام را فراتر از آن می‌بیند که به هر کسی اطلاق گردد و هر دستی به آن برسد. این ابیات و اطلاق واژه شهید به خاندان پیامبر^(ص)، به ویژه امام حسین^(ع) در ارتباط با بیاناتی نظیر کلام حضرت سجاد^(ع) است که شهادت را کرامت اهل بیت^(ع) می‌داند. همچنین صائب، در ادامه از امام حسین^(ع) با عنوان آشنای «شهید کربلا» یاد می‌کند؛ هرچند در ابیاتی از شاعران دیگر نیز از این عبارت استفاده شده است؛ نظیر این بیت از سعدی شیرازی:

یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه

یارب به خون پاک شهیدان کربلا

(سعدی، ۱۳۹۰: ۸۴۷)

اما استفاده صائب از عنوان شهید پس از مقدمه‌ای که در ترسیم جایگاه شهادت و تعظیم آن با مختص دانستن این مرگ شکوهمند برای خاندان اهل بیت^(ع) آمده است، رنگ و بوی جدیدی به خود می‌گیرد و آن را از سایر اشعار و عبارات مشابه متمایز می‌کند. به بیانی دیگر، شهادتی که او به سیدالشهدا و اهل بیت^(ع) نسبت می‌دهد، قابل اطلاق به غیرمعصوم نیست. صائب در ادامه این قصیده حتی به گوشه‌هایی از کیفیت شهادت امام حسین^(ع) نیز اشاره دارد و مصائب آن حضرت را بیان می‌کند.

تکیه‌گاهش بود از دوش رسول هاشمی

آن سری کز تیغ بیداد یزید از تن جداست

آن‌که بود آرامگاهش از کنار مصطفی

بیکر سیمین او افتاده زیر دست و پاست

چرخ از انجم در عزایش دامن پراشک شد

تا به دامان جزاگر ابر خون‌گرید رواست

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۷۵)

در این ابیات، صائب تبریزی شهادت امام حسین^(ع) را ناشی از ستم بیدادگران بیان می‌کند و آنچه بر امام^(ع) روا داشته شده را در تضادی آشکار با جایگاه و شأن او می‌داند. ترسیم چهره ظالم در مقابل شهادت مظلوم، از جمله نکات جالب توجه این ابیات به شمار می‌رود. صائب شهادت امام حسین^(ع) را معلول بیدادگری یزید می‌داند. تقابل خیر مطلق یعنی سیدالشهدا^(ع) و شر مطلق یعنی یزید در ابیات فوق آشکار است.

«تقابل یا تضاد یکی از ارکان مهم زندگی و معرفت بشری در حوزه‌های گوناگون همانند دین، اخلاق و فلسفه است. معروف است که انسان هر چیزی را به ضد آن می‌شناسد. در فلسفه تضاد نسبت میان دو امر وجودی است که میان آن دو باید خلاف و بعد باشد؛ به نحوی که اجتماعشان در محل واحد ممکن نباشد. مانند سیاهی و سفیدی» (سجادی، ۱۳۳۸: ۸۶). «اندیشیدن به روش دوقطبی یا دوبخشی یکی از کارکردهای اساسی ذهن آدمی است. انسان برای فهمیدن چیزها و فهماندن مقصود خویش، مفاهیم مثبت و منفی را از یکدیگر متمایز می‌کند و براساس روابطی که میان آن‌ها برقرار است، رفتار خود را بنیان می‌دهد» (خدیش و داودی مقدم، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

در شعر صائب، گاهی شهید کشته جدال خیر و شر است و نقشی بسیار پررنگ در این تضاد ایفا می‌کند. هرچند می‌توان شهید را از منظری همان خیر دانست. خیری که در یک پایان تراژیک در نبردی ظاهری کشته می‌شود؛ اما در نبرد باطنی خیر و شر، خیر پیروز است.

صائب از بیداد گردون ستمگر دست داشت

نیست از خون شهیدان سیری آن بی‌باک را

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۱۳)

صائب در این بیت، شهید را کشته دست بیدادگر روزگار می‌داند؛ ستمی که

پایان ناپذیر نیز است. تقابل شهید با رذایلی مانند ستمگری و بیداد، از جمله موارد کانونی صائب تبریزی به شمار می‌رود. کشته شدن به دست بیدادگر همان مقوله‌ای است که او دربارهٔ شهادت سیدالشهدا^(ع) به دست یزید بیدادگر نیز بیان کرده است. او در قصیده‌ای دیگر که به مدح امام رضا^(ع) اختصاص دارد نیز اجمالاً به شیوهٔ شهادت آن امام اشاره می‌کند:

زهر در انگور تا دادند او را دشمنان
ماند چشم تاک تا روز قیامت اشک بار
تاک را چون مار هر جا سبز شد سر می‌زنند
تا شد از انگور کام شکرینش زهر بار

(همان، ج ۲: ۱۳۶۸)

همچنین در غزلی آورده است:

زالله زار شهادت گلی بچین صائب
به بوی خون مشو از خاک کربلا قانع

(همان: ۱۰۴۳)

صائب نه تنها شهادت را از ثمرات خاک کربلا می‌داند، بلکه دستیابی به آن مقام رفیع را از خویشتن نیز مطالبه‌گر است.

۲-۳. میل به شهادت

امام علی^(ع) فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْمَوْتَ لَا يُفَوِّتُهُ الْمُقِيمُ وَلَا يَعْرِضُهُ الْهَارِبُ، لَيْسَ عَنِ الْمَوْتِ مَحِيدٌ وَلَا مَحِيصٌ، مَنْ لَمْ يَقْتُلْ مَاتَ، إِنَّ أَفْضَلَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَالَّذِي نَفْسٌ عَلَى بِيَدِهِ لَأَلْفُ

ضَرْبَةَ السَّيْفِ أَهْوَى مِنْ مَوْتَةٍ وَاحِدَةٍ عَلَى الْفِرَاشِ؛ ای مردم، مرگ همه را فرامی‌گیرد؛ چه آن‌که در حضر (اقامت) است و چه آن‌که در سفر است. پس هیچ‌کس نمی‌تواند از مرگ بگریزد و بر آن فائق شود و هرکس به مرگ طبیعی نمیرد، کشته خواهد شد و به درستی که برترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست. سوگند به آن‌که جانم در دست اوست، هزار ضربه شمشیر مرا خوش‌تر و راحت‌تر از مردن در بستر است (عاملی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۸).

شهادت در میدان نبرد و به تیغ شمشیر در نظر امیرالمؤمنین علی^(ع)، از هر مرگی خوش‌تر است و برترین مرگ‌ها به شمار می‌رود و مرگ در بستر، مرگی دور از آرمان است. اندیشه‌ای که صائب تبریزی نیز آن را در اشعارش به تصویر می‌کشد:

ننگ عشاق بود در سر بستر مردن

صائب! آلوده از این ننگ نمی‌باید شد

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۲: ۶۸۹)

هست اگر آسایشی، در زیر تیغ و خنجر است

دیدۀ حیران قربانی، بر این معنی گواست

(همان: ۱۳۷۳)

وی در بیتی دیگر نیز همین معنا را یادآور است:

بستر از خون بالش از شمشیر مردان کرده‌اند

چون زنان پیر تا کی تکیه بر بستر زنیم

(همان: ۱۱۲۸)

به کار بردن واژگانی نظیر بستر و مفهومی مانند مرگ در بستر، برای به تصویر

کشیدن مرگ ذلیلانه در مقابل شهادت که مرگی سلحشورانه و خونین است، از جمله وجوه اشتراک در بیان امیرالمؤمنین علی^(ع) و به تبعیت آن، شعر صائب تبریزی به شمار می‌رود. همچنین از علی^(ع) نقل شده است:

«فَإِنْ أَقْلُ يَقُولُوا حَرَصَ عَلَى الْمُلْكِ وَإِنْ أَسْكَتْ يَقُولُوا جَزَعَ مِنَ الْمَوْتِ. هَيْهَاتَ! بَعْدَ اللَّتْيَا وَالْأَلْتِي، وَاللَّهِ لَا بُدَّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الْوَقْفِ بِثَدْيِ أُمِّهِ»؛ در شرایطی قرار دارم که اگر سخن بگویم، می‌گویند بر حکومت حریص است و اگر خاموش باشم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسید. هرگز، من و ترس از مرگ! پس از آن همه جنگ‌ها و حوادث ناگوار. سوگند به خدا، انس و علاقه فرزند ابی‌طالب به مرگ در راه خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است (رضی، ۱۳۸۷: ۳۲).

و فرمودند:

«وَاللَّهِ لَوْ لَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعَدُوَّ وَ لَوْ قَدْ حُمَّ لِي لِقَاؤُهُ، لَقَرَّبْتُ رِكَابِي ثُمَّ شَخَّصْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ»؛ به خدا، اگر امید شهادت‌م هنگام دیدار دشمن نبود و ای کاش برایم مقدّر بود، پای در رکاب می‌نهادم و از جمع شما بیرون می‌افتادم و شما را نمی‌طلبیدم» (رضی، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

انس و پیوند با شهادت، در کلام امیرالمؤمنین علی^(ع) نقشی محوری دارد و امام، امید رسیدن به آن را تنها دلیل دوری نجستن از جمع یاران بی‌وفا بیان می‌کند. از سویی دیگر، صائب تبریزی دوری از این نوع مرگ را مایه حسرت و داغ می‌داند:

از دل پر خون که قربان شهادت می‌رود

لاله داغی به تابوت شهیدان بسته‌ایم

(صائب، ۱۳۹۲، ۲: ۱۰۹۱)

تمایل به شهادت و حسرت نرسیدن به آن در کلام صائب هویدا است. او آن چنان مجذوب شهادت است که دل پرخونش را قربانی آن می‌کند. صائب تبریزی خود را آکنده از حسرت می‌داند؛ حسرتی که با هر بار زیارت شهیدی، خون دل می‌شود و او را داغدار می‌کند.

زردرویی نتوان در صف محشر بردن

خون من بر سر جوش است شهیدان مددی

(همان: ۱۳۴۸)

استمداد از شهیدان گواه این است که صائب علاوه بر اعتقاد به حیات جاویدان آنان، به گشوده‌دستی و میسر بودن گره‌گشایی بر ایشان نیز باور دارد. آن هم نه تنها برای حوائج مادی و دنیوی، بلکه این استمداد، در طریق شهادت و گریز از زردرویی با خون معنا یافته است. مرگ در بستر، ننگ عاشقان بوده و این مفهومی است برخاسته از تفکر سرخ شهادت. صائب نیز دور بودن از این ننگ را برای خودش خواستار است.

۳-۳. زندگی جاوید شهید

امام علی^(ع) فرمودند:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي أَشْرَفَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِكَ أَنْصُرَكَ وَ أَنْصُرْ رَسُولَكَ أَشْتَرِي الْحَيَاةَ الْبَاقِيَةَ بِالْذُّنْيَا»؛ خدایا برترین شهادت‌ها را به من عطا کن تا بتوانم با خون خود دین تو و پیامبر تو را یاری دهم و با شهادت خود حیات جاودانه را به دست آورم (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۱۲۴).

امام^(ع) راه دست‌یافتن به حیات جاودانه را شهادت در راه یاری خدا و پیامبرش می‌داند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، قرآن کریم نیز شهدا را زنده و متنعم به نعمت پروردگارشان معرفی می‌کند. باور به زندگی جاوید شهدا و «عند ربهم یرزقون»

بودن آنان نیز جایگاهی ویژه در اشعار صائب تبریزی دارد. چنان‌که در برخی موارد استفاده از واژگان شهید و شهادت و مفاهیم آن‌ها، شهید انسانی دارای حیات کامل و از هر نظر و به هر معنا زنده انگاشته شده است. البته چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، پرداختن به این ویژگی شهید، در آثار بسیاری از شاعران تاریخ ادبیات فارسی تبلور داشته است و محدود به چند شاعر یا عصر تاریخی خاصی نیست؛ اما صائب نیز از این قاعده مستثنا نیست و ابیاتی درباره این مفهوم دارد:

در ره دین هرکه جان خویش را سازد فدا

در گلوی تشنه او آب تیغ آب بقاست

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۷۴)

صائب بقا را در گرو شهادت می‌داند. آن هم شهادتی از جنس فدا شدن در راه دین. در اندیشه صائب آن کس که در طریق دین جانش را فدا می‌سازد، باقی خواهد بود. اندیشه‌ای منطبق با آیات و روایاتی که شهید را «حی» معرفی می‌کند و او را از «موت» دور می‌بیند.

از جوش نشاطی که زند خاک شهیدان

تا حشر محال است لب گور شود خشک

(همان: ۱۰۶۳)

جوشش همیشگی خون شهید، منظری دیگر از زندگانی جاوید اوست. صائب جوشیدن خون شهدا را همراه با نشاط بیان می‌کند و این احوال را متصل به ابدیت می‌داند. نگرش او به واژگان شهید و شهادت و مفاهیم برخاسته از آن‌ها در رویکرد جاری، در نمونه‌های ذکر شده منحصر نمی‌شود و می‌توان به مصادیق دیگری نیز اشاره کرد:

صائب ز شکر تیغ شهادت میند لب

کاین عمر پنج روزه از او مستدام شد

(همان: ۶۷۷)

دیده تن پروران آب سیاه آورده است

و رنه شمشیر شهادت موجه آب بقاست

(همان، ج: ۱، ۵۴۳)

تیغ جان بخش تو سرو جویبار زندگی است

زنده جاوید گردد هرکه شد قربان تو

(همان، ج: ۲، ۱۱۱۴)

زنده انگاشتن شهید، ریشه های دینی بسیار مستحکمی را نیز داراست؛ اما می توان گفت شهادت، پاسخی به نیاز انسان به جاودانگی - کهن الگوی مشترک میان تمام انسان ها - در گفتمان دینی بوده که در آینه ادبیات نیز متجلی شده است. نیازی که برخاسته از میل انسان به تکامل و بیزاری ذاتی او از نابودی است. تعالی طلبی و در جست و جوی کمال بودن - منظور از کمال مطلوب هر چیز به بهترین شکل ممکن آن است - که نیازهای اولیه آدمی است؛ نیازی که بخشی از آن در ناخود آگاه انسان شکل می گیرد و بخشی از آن سرچشمه در آگاهی شناخت فرهنگ و محیط دارد (خدیش و داودی مقدم، ۱۳۹۹: ۲۶).

۴. نتیجه‌گیری

ترویج مذهب تشیع و رسمیت آن در کشور، موجب گسترش فرهنگ شیعی در ساحت‌های گوناگون شد. شعر و ادب نیز از جمله مواردی است که تأثیر انکارناپذیری را از باورهای شیعی پذیرفته است. آثار صائب تبریزی شاعر برجسته شیعه گواه این مدعا است. از جمله مفاهیمی که می‌تواند جلوه‌گر باورهای شیعی در آثار صائب باشد، مفهوم شهادت است. او در مواردی شهادت را از منظری می‌نگرد که پیش از او در منابع شیعه، نظیر روایات، احادیث، ادعیه و زیارت‌نامه‌ها توسط معصومین^(ع) بیان شده بود. شهادت اهل بیت^(ع) به ویژه امام حسین^(ع)، از جمله مواردی است که جایگاه ویژه‌ای در اشعار صائب دارد. او شهادت را مختص اهل بیت^(ع) می‌داند و در اشعاری، حتی کیفیت شهادت ایشان را نیز بیان می‌کند. در مآثورات شیعی نیز رابطه‌ای مستحکم بین معصومین^(ع) و شهادت برقرار است. تا آنجا که گاه در زیارت‌نامه‌ها به شهادت ایشان گواهی داده می‌شود. میل به شهادت و در دل پروراندن آرزوی آن نیز از دیگر محورهای اشعار صائب در حوزه شهید و شهادت است. اشتیاق به شهادت در کلام معصومین^(ع) جایگاه جالب توجهی دارد و حسرت دوری از آن نیز در بسیاری از مآثورات آشکار است. می‌توان زنده‌انگاشتن شهید را از مهم‌ترین مفاهیم شیعی در ارتباط با مقوله شهادت دانست. مفهومی که در شعر صائب بسیار مرکز توجه است و عمر جاویدان و سعادت ابدی را در گرو شهادت می‌بیند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن طاووس، ابوالقاسم رضی‌الدین (۱۳۹۰). لهوف. ترجمه علی‌رضا رجالی تهرانی، قم: نبوغ.
۳. _____ (۱۴۱۴ق). مهج الدعوات و منهج العبادات. بیروت: مؤسسة الاعلی للمطبوعات.
۴. جعفری، فاطمه (۱۳۹۰). مقام شهید و آثار شهادت از منظر قرآن و روایات. قم: همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت.
۵. خدیش، پگاه و فریده داودی مقدم (۱۳۹۹). الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی، تهران: دانشگاه پیام نور.
۶. رضی، سید شریف (۱۳۸۷). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، تهران: دارالفکر.
۷. سجادی، سید جعفر (۱۳۳۸). فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی. تهران: سعدی.
۸. سعدی شیرازی (۱۳۹۰). کلیات سعدی. تهران: الهام.
۹. شریعتی، علی (۱۳۵۰). شهادت. تهران: حسینیه ارشاد.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما. تهران: نی.
۱۱. صائب تبریزی (۱۳۹۲). دیوان صائب تبریزی. ج ۱ و ۲. تهران: نگاه.
۱۲. طاووسی، حسن و فاطمه عین‌الکمالی (۱۳۹۵). شهید و شهادت از منظر قرآن. علی‌آباد: اولین کنفرانس ملی از ایثار تا شهادت.

۱۳. عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). وسائل الشیعه. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۴. قهرمان، محمد (۱۳۷۸). صیادان معنی. تهران: امیرکبیر.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۹). محن الابرار. ترجمه حسن هشترودی تبریزی، تهران: آرام دل.
۱۶. _____ (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامع الدرر الاخبار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۷. موسوی شجری، آمنه (۱۳۹۰). مفهوم شهادت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه. قم: همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت.